

دکتر الین فیلیپس، مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس، جلسه ۱، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر الین فیلیپس هستم در تدریسش در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس. این جلسه ۱، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی است.

ما امروز واحد جغرافیای کتاب مقدس را شروع می‌کنیم و حدود ۱۲ سخنرانی داریم که به زودی ارائه خواهند شد.

همانطور که می‌بینید، اولین سوال مقدمه خواهد بود. بنابراین برای شروع، به تصویر سمت راست که بعداً نمایش داده خواهد شد، خواهیم رسید. اما ابتدا یک سوال مقدماتی برای خودمان داریم که تقریباً به این شکل است.

ممکن است کمی شما را متعجب کند. یوشع ۱۵، مطمئن نیستم که چند نفر از شما اخیراً یوشع ۱۵ را خوانده‌اید، اما ۶۴ آیه به موارد زیر اختصاص دارد و من فقط بخش کوچکی از آن را می‌خوانم تا به شما بفهمانم که چرا این ممکن است کمی سوال چالش‌برانگیزی باشد.

پس شروع می‌کنیم. یوشع ۱۵ سهم قبیله یهودا را، قبیله به قبیله، تا قلمرو اودوم گسترش می‌دهد.

مرز جنوبی آنها از خلیج شروع می‌شود و سپس کل مرز جنوبی را توصیف می‌کند. مرز شرقی توصیف شده دریای نمک است. مرز شمالی، به طور مفصل، مرز شمالی توصیف شده است.

مرز غربی، خط ساحلی دریای مدیترانه است. و سپس در تمام ادامه‌ی آن فصل، که همانطور که گفتم، نسبتاً طولانی است، به توصیف و فهرست کردن تمام شهرهایی که اتفاقاً در قبیله‌ی یهودا قرار دارند، می‌پردازد. و شاید از خود پرسید، چرا این همه جزئیات؟ چرا جغرافی‌دانان آن را دوست دارند؟ خب، آنها به خاطر نام مکان‌ها آن را دوست دارند، اما دانشجویان کتاب مقدس نیز می‌توانند آن را دوست داشته باشند.

و اجازه دهید حداقل دو دلیل برای این موضوع ارائه دهم، و این سوال مقدماتی ما و تا حدودی پاسخی به کل واحد جغرافیای تاریخی ما خواهد بود. فقط به یاد داشته باشید که وقتی بنی اسرائیل وارد این سرزمین موعود می‌شدند، دقیقاً همین بود: سرزمین موعود. و خدا به ابراهیم وعده‌ای داده بود.

این خیلی قبل از این است، اما در اینجا می‌بینیم که زمان‌بندی بی‌نقص خدا، وعده او و وعده عهد او محقق می‌شود. آنها دارند وارد سرزمین می‌شوند، و این فقط یک چیز مبهم نیست. اینها مکان‌ها هستند.

قبیله یهودا مرزهایی دارد. شهرهای مهمی دارد. همانطور که گفتم، وعده در حال تحقق است.

یوشع ۱۵ نمونه بسیار خوبی از وفاداری خدا به قومش است. علاوه بر این، یک چیز دیگر هم وجود دارد. این قبیله یهودا است.

این موضوع به دلایل مختلفی، از جمله جایگاه یهودا و سلسله یهودا که در طول هزاره‌ها ادامه داشته، مهم خواهد بود. بنابراین، هنگام شروع کار، این نکته را در نظر داشته باشید.

جغرافیا فوق‌العاده است. حالا، اول از همه، باید با چند تعریف شروع کنیم. بنابراین، با نگاه کردن به نقشه‌ای که اینجا داریم، کمی به درک تعاریف کمک خواهد شد.

می‌توانید آن را ببینید. دریای مدیترانه و صحرای عربستان را دارد. در سراسر آن خطوط قرمزی وجود دارد.

و این قرار است آنچه را که برای ما اتفاق می‌افتد، هنگامی که در مورد رشته جغرافیای تاریخی خود فکر می‌کنیم، شکل دهد. جغرافیا، اول از همه، به طور خلاصه، و این تعاریف بسیار ساده‌ای هستند، مطالعه زمین است. همانطور که یکی از معلمان جغرافیای من می‌گفت، جغرافیا تخته بازی است که همه این اتفاقات روی آن رخ می‌دهد.

این بُعد مکانی ماست، و در ادامه بیشتر در مورد چگونگی عملکرد آن صحبت خواهیم کرد. تاریخ، اگر منظورمان این دو رشته‌ای است که در جغرافیای تاریخی گرد هم می‌آیند، باز هم تعریف بسیار ساده‌ای است. اما فعلاً به ما کمک می‌کند. این توالی رویدادها است.

به عبارت دیگر، این بُعد زمانی ماست که در حال رخ دادن است. بنابراین این یک بُعد مکانی است، یک بُعد زمانی. و آن چیزهایی که می‌بینید روی آن نقشه در حال رخ دادن هستند، در واقع منعکس کننده‌ی برخی از اتفاقاتی هستند که در آینده از نظر نحوه‌ی زندگی مردم، نحوه‌ی سفر آنها و غیره رخ خواهد داد.

در ادامه به بررسی بیشتر این موضوع خواهیم پرداخت. ممکن است سؤالاتی مطرح شود که چرا یک واحد کامل را به جغرافیا اختصاص می‌دهیم. چرا این سرزمین را تا این حد به جزئیات تقسیم می‌کنیم؟ خوب، برای شروع، شروع می‌کنیم. جغرافیا مکان و نحوه‌ی زندگی همه ما را شکل می‌دهد.

بنابراین شما هم می‌توانید این را به خوبی من بخوانید. جغرافیا از مطالعه آب تشکیل شده است. ما برای زندگی به آب نیاز داریم.

این از توپوگرافی زمین تشکیل شده است، اینکه آیا کوه وجود دارد، آیا دره وجود دارد، آیا بیابان است، یا اینکه پوشیده از چمن سبز و درختان و غیره است. همه اینها بر نحوه‌ی زندگی ما تأثیر می‌گذارد. اگر بخواهید آن را به محیط خاص ما در اینجا برگردانید، می‌بینیم که این سبک زندگی افرادی که مثلاً در ساحل شرقی ایالات متحده هستند، جایی که زمین مسطح است، جایی که یک کلان‌شهر از بوستون، تا واشنگتن دی سی و فراتر از آن وجود دارد، سبک زندگی متفاوتی است که در آن نقطه از افرادی که مثلاً در کوهستان زندگی می‌کنند یا در غرب میانه زندگی می‌کنند، شکل گرفته است.

و فرهنگ‌هایی وجود دارند که با آن درگیر هستند. بنابراین، صرفاً جهت تأکید، جغرافیا شکل‌دهنده‌ی هویت ما، نحوه‌ی زندگی ما و اتفاقات زندگی ماست. اگر بخواهیم این موضوع را به جغرافیای کتاب مقدس برگردانیم، و آنچه را که گفتم استنتاج کنیم، درک بهتری از جایی که خدا برای قرار دادن قوم خود انتخاب کرده است خواهیم داشت.

زیرا، البته، این سرزمین، یک سرزمین قدیمی معمولی نیست. و این چیزی است که ما قصد بررسی آن را داریم. جایی که خدا برای استقرار قوم خود انتخاب کرد، از نظر تبدیل شدن به یک میدان آزمایش ایمان، بسیار مهم است.

این اصطلاحی است که من بارها و بارها از آن استفاده خواهم کرد. شما آن را روی صفحه نمایش خواهید دید. این اصطلاح من نیست.

در واقع این اصطلاح توسط جیم مانسون، استادی که چند لحظه پیش به او اشاره کردم، ابداع شده است. و در سراسر جهان جغرافیا مورد استفاده قرار گرفته است، زیرا واقعاً همینطور است. جغرافیای کتاب مقدس به ما کمک می‌کند تا زمینه آزمایش ایمان قومش توسط خدا را درک کنیم.

خب، پس، فقط برای اینکه کمی این موضوع را روشن کنم، وقتی شروع به مطالعه تاریخ می‌کنیم و تاریخ یعنی سیر تکامل این وقایع را در بعد مکانی به کار می‌بریم، می‌دانیم که درس‌هایی وجود دارد که می‌توانیم از آن بیاموزیم. و بنابراین، فقط برای تکرار آنچه که دریافته‌ام، هیچ دینی وجود ندارد که از وقایع تاریخی که فرهنگ‌هایی را که در آنها متولد شده شکل می‌دهند، جدا باشد. پولس در اول قرن‌تین ۱۰ به این نکته اشاره کرد.

او تمام اتفاقاتی را که برای قوم خدا و اسرائیل افتاد به ما یادآوری می‌کند، اینکه چگونه آنها را از دریا عبور داد، چگونه برایشان آب فراهم کرد و چگونه برایشان مَن فراهم کرد. سپس درباره کارهایی که آنها انجام دادند صحبت می‌کند، که اکثر آنها دقیقاً نمونه نبودند. اما او می‌گوید که آن اتفاقات به عنوان نمونه‌هایی برای درس گرفتن ما رخ دادند.

بنابراین تاریخ برای ما درس‌هایی دارد. بنابراین، ما درک خوبی از آنچه می‌خواهیم در این واحد خاص مطالعه کنیم، داریم. حالا بیایید کمی جلوتر برویم و ببینیم که می‌خواهیم روی چه چیزی تمرکز کنیم.

به عبارت دیگر، همانطور که ما در حال گذراندن تمام این سخنرانی‌ها هستیم، چگونه می‌توانیم مواردی را که بر مطالعه ما تأثیر می‌گذارند، کنار هم قرار دهیم؟ خب، اول از همه، بدیهی است که زمین، زیرا مطالعه زمین در واقع تمرکز اصلی ما برای هر واحدی است که قرار است به آن پردازیم. علاوه بر این، ما می‌خواهیم به تمام متونی که درک ما را از این مکان شکل می‌دهند، نگاهی بیندازیم. البته بیشتر آنها متون کتاب مقدس خواهند بود، اما متون دیگری نیز در خارج از این مجموعه وجود دارند.

فعالاً در مورد چند نمونه از آنها صحبت خواهیم کرد. اصطلاح سوم در پایین سمت چپ اینجا، توپونیمی، ممکن است اصطلاحی نباشد که به طور خاص برای شما آشنا باشد، اما به معنای مطالعه نام مکان‌ها است. و وقتی به پایان این ساعت اول رسیدیم، کمی بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

و سپس قرار است یک جلسه کامل دوم را به باستان‌شناسی اختصاص دهیم، فقط مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی و اینکه چگونه به ما در درک رشته گسترده‌تر جغرافیای تاریخی کمک می‌کند. بنابراین، بدون مقدمه بیشتر، بیایید اول از همه به آنچه می‌توانیم در مورد این سرزمین بیاموزیم پردازیم. من قصد دارم زمان زیادی را صرف این موضوع کنم.

این باعث می‌شود که ما قدردان این سرزمین بین یا میدان آزمایش ایمان باشیم که لحظه‌ای پیش به آن اشاره کردم. خب، البته، اصطلاح سرزمین بین باید شما را وادار به پرسیدن این سوال کند که، خب، بین چه چیزی؟ و این نکته‌ی مهمی برای تمرکز خواهد بود. این یک نقشه‌ی بسیار تقریبی است.

این یک طرح کلی است. این یک شماتیک است. تمام آن چیزهای شگفت‌انگیزی که در نقشه اول دیدید را از قلم انداخته است، اما کمی به ما کمک می‌کند تا منظورمان را از سرزمین بین این دو منطقه بیشتر توضیح دهیم، زیرا عوامل مختلفی در این امر دخیل هستند.

بعضی از آنها جغرافیایی هستند. بعضی دیگر مربوط به مردم و محل زندگی آنهاست و بیشتر ژئوپلیتیکی هستند. بنابراین اول از همه، می‌خواهیم از نظر حلقه‌های قدرت فکر کنیم.

این اصطلاحی است که کمی به ما کمک می‌کند. ما آناتولی را داریم که اگر بخواهید در مورد آن فکر کنید، همان ترکیه امروزی است. ما همچنین بین‌النهرین را داریم و این دو منطقه با گذشت قرن‌ها، جایگاه فرهنگ‌های نسبتاً گسترده‌ای خواهند بود.

و البته، ما مصر را هم اینجا داریم. بنابراین، چند حلقه قدرت. از این واقعیت غافل نشوید که در این بین حلقه ما قرار دارد، نه چندان دایره‌ای، اما من کمی بیضی آنجا دارم.

آرام، که با نام دیگر سوریه نیز شناخته می‌شود، بسته به اینکه چه ترجمه‌ای از کتاب مقدس را می‌خوانید متوجه خواهید شد که این منطقه نه تنها بین حلقه آناتولی ما قرار دارد، اتفاقاً مردمی که در آناتولی زندگی می‌کنند لزوماً مستقیماً بر قوم خدا در دوره عهد عتیق تأثیر نمی‌گذارند، اما آنها آنجا هستند و قرار است تأثیری داشته باشند. و سپس، مطمئناً، آن منطقه با ورود به دوران عهد جدید مهم خواهد بود. اما توجه داشته باشید که اگر کسی، مثلاً بابلی‌ها یا آشوری‌ها یا پارسی‌ها را داشته باشیم که اتفاقاً در این منطقه حکومت می‌کنند، اگر بخواهند مرزهای خود را گسترش دهند و آن را از من بگیرند، همیشه این کار را می‌کنند. آنها به زور فشار می‌آورند، خب، آنها باید منابع آب را دنبال کنند.

کمی بعد بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد. بنابراین آنها قبل از رفتن به آناتولی یا قبل از رفتن به مصر که به دلیل وجود رود نیل، نسبتاً یک منطقه حاصلخیز است، از این مسیر بالا می‌روند. چه کسی بین این دو قرار دارد؟ خب، قرار است اینجا منطقه آرام به عنوان یک منطقه حائل باشد.

و البته، ما کس دیگری را هم داریم که در این بین قرار دارد. و این منطقه‌ای خواهد بود که ما آن را اسرائیل سرزمین اسرائیل در این منطقه خواهیم نامید. و ترافیک، به دلایلی که کمی بعدتر روشن خواهیم کرد، باید از این منطقه عبور کند زیرا اینجا دریای مدیترانه را دارید که اساساً یک مانع است.

اینجا، صحرای بزرگ عربستان را داریم، یک مانع دیگر. اگر منابع آب نداشته باشید، در دوران باستان نمی‌توانستید از آن عبور کنید، و احتمالاً الان هم خیلی از آنها را طی نمی‌کنید. بنابراین، اگر به نقشه قبلی برگردیم، جاده‌های اصلی ما دقیقاً از اینجا عبور می‌کنند.

این یک پل زمینی است، و سرزمینی بین حلقه‌های قدرت. این مهم خواهد بود. در این ظرفیت، به یک تریبون تبدیل می‌شود.

این به تریبونی برای انواع پیام‌ها تبدیل می‌شود تا به این مناطق مختلف ارسال شوند. البته نکته واقعاً جالب در این مورد این است که خدا وقتی به ابراهیم گفت «مایه برکت باش» (پیدایش ۱۲) (این را در نظر داشت. این موضوع ارتباط زیادی با پیام عشق عهد خدا خواهد داشت.

اشعیا به این نکته نیز اشاره خواهد کرد. البته، آیا آنها در جایگاه خود افراد وفاداری بودند، یا همانطور که بارها و بارها خواهیم دید، آیا چیزهایی را از فرهنگ‌های اطراف خود جذب می‌کردند؟ اما به هر حال، هنگام عبور از این مرحله، این را نیز در نظر داشته باشید. ما برخی از تفاوت‌های دیگر نیز داریم که باید در مورد آنها صحبت کنیم.

یکی اینکه سرزمینی است بین غرب، تمام امکانات فرهنگی که اینجا بوده و هست، اتفاقاً، و شرق. و من قصد دارم در این مورد خیلی بیشتر صحبت کنم. خب، این فقط یک مقدمه است.

همچنین، اگر بخواهیم به سادگی از دیدگاه هواشناسی صحبت کنیم، سرزمینی است بین دریای مدیترانه و صحرایی که لحظه‌ای پیش به آن اشاره کردم، صحرای عربستان. من این موضوع را بیشتر باز خواهیم کرد زیرا

این موضوع از نظر نحوه استفاده خداوند از این سرزمین برای برکت دادن یا ندادن به آنها واقعاً مهم است. در این مورد بیشتر صحبت خواهیم کرد.

همچنین به نوعی به این پیچیدگی بین «چه سوالی» پایان می‌دهد. این قرار است بین سیستم‌های رقیب مذهبی و جهان‌بینی باشد. لحظه‌ای پیش گفتم که قرار بود تریونی برای انتشار یک پیام خوب باشد.

اما متأسفانه، قوم خدا اغلب خود را بیش از حد تحت تأثیر چیزهای اطرافشان می‌دیدند، مثلاً بیش از حد تحت تأثیر پرستش بعل. و ما در این مورد بیشتر خواهیم گفت، به خصوص وقتی که به روایات الیاس می‌پردازیم، وقتی که با وسوسه‌هایی که مردم همیشه برای تسلیم شدن در برابر پرستش بعل، پرستش خدایی که ظاهراً باران، رعد و برق، طوفان، کشاورزی و بهره‌وری اقتصادی و غیره را کنترل می‌کرد، مواجه می‌شویم. بنابراین، این سرزمینی است بین همه این سیستم‌های جهان‌بینی رقیب، و متأسفانه، قوم خدا بسیاری از اعمال بت‌پرستانه را از میدان به میدان پذیرفتند.

بنابراین، با یک نقشه کوچک، درک خوبی از معنای صحبت کردن در مورد سرزمین بین آنها داریم. این آغاز کار است. بیایید ببینیم از اینجا به کجا خواهیم رفت.

کمی بیشتر به موضوع غرب در مقابل شرق پردازیم. من فهرستی از انواع افرادی که به نوعی از غرب یا شمال غربی آمده بودند را برای شما ارائه داده‌ام. و بنابراین، من لحظه‌ای پیش به پرستش بعل اشاره کردم، خواهیم دید که فنیقی‌هایی که در آن منطقه اطراف صور و پوزئیدون زندگی می‌کردند، کسانی بودند که واقعاً پرستش بعل را به عنوان بخشی از وجودشان به طور عمده داشتند.

آنها به قوم خدا تجاوز کردند. خب، فلسطینی‌ها از جایی در آن سوی مدیترانه می‌آیند، اما وقتی واقعاً به قوم خدا ضربه می‌زنند، در واقع در بخش غربی آن تکه کوچک از کشور هستند و سعی می‌کنند به سرزمین تپه‌ای که قوم خدا در آن بودند، تجاوز کنند.

و سپس شاهد جانشینی دیگری هستیم. یونانیان را می‌بینیم که می‌آیند، اسکندر کبیر را. رومی‌ها را می‌بینیم که دنباله‌رو آنها هستند.

بعدها، در حدود چند قرن، حدود هزاره جدید، از ۱۰۹۹ تا ۱۱۸۷، می‌بینیم که صلیبیون هجوم می‌آورند و انواع و اقسام آسیب‌ها را وارد می‌کنند. اروپایی‌ها را می‌بینیم که به انواع و اقسام روش‌ها و دلایل می‌آیند. و در نهایت، حتی با اسرائیلی‌ها، کمی رقابت با اسرائیلی‌هایی داریم که مردم محلی آنها را از غرب می‌دانند.

در اینجا به برخی از ویژگی‌های این نوع افراد، همانطور که به عنوان افرادی که وارد این سرزمین بسیار جالب می‌شوند، درک می‌شوند، اشاره می‌کنیم. در ادامه بیشتر در مورد چگونگی عملکرد این ویژگی در شرایط معاصر صحبت خواهیم کرد. اما به نظر می‌رسد که این افراد همیشه یک مزیت فرهنگی دارند، یا حداقل ادعا می‌کنند که دارند، درست است؟ جهان‌وطن‌تر، احتمالاً مترقی‌تر، لیبرال‌تر و تهدیدآمیز برای مردم محلی.

اگر بخواهیم از این منظر به آن نگاه کنیم، در اینجا چند مثال از کتاب مقدس آورده شده است. برای مثال، اگر روایت قاضی در مورد سامسون را بخوانیم، سامسون همیشه مجبور است به سمت فلسطینیان برود. آنجا فرهنگ پیشرفته‌تری است.

او بارها و بارها به آنجا می‌رود. او در میان چیزهای دیگر به دنبال زنان فلسطینی است، اما به فرهنگ مترقی‌تر آن کشیده شده است. و جالب اینجاست که خدا از این موضوع برای داوری فلسطینیان استفاده خواهد کرد.

،وقتی کمی بیشتر در تاریخ خود پیش می‌رویم، می‌بینیم که هنوز تهدیدهای فلسطینی‌ها را داریم. در این مورد همانطور که اول سموئیل ۱۳ به ما می‌گوید، آنها از یک مزیت تکنولوژیکی واقعی برخوردارند زیرا توانایی تولید آهن را دارند. و در متن آمده است که بنی‌اسرائیل مجبور بودند ابزارهای خود را برای تیز کردن به نزد فلسطینی‌ها ببرند.

فلسطینی‌ها می‌دانستند چگونه این کار را انجام دهند. بنابراین، احتمالاً، این یک مزیت غربی نسبت به مردمی است که فقط در آنجا زندگی می‌کردند. و آنها، ما ممکن است آنها را به عنوان قوم شرقی صحرانشین خود در نظر بگیریم.

شاید در بعضی موارد نیمه کوچ‌نشین باشند. آنها کوچ‌نشین هستند. آنها دامدار هستند.

آنها تمایل دارند محافظه‌کارتر و ولایت‌مدارتر باشند و راه پدران خود را ادامه دهند. و ما این تضاد را می‌بینیم. ما در واقع امروز آن را می‌بینیم، اما آن را به خوبی می‌بینیم، همانطور که در تاریخ کتاب مقدس به آن می‌پردازیم.

حتی الان، وقتی به اورشلیم امروزی نگاه می‌کنید، از آن با اصطلاحات اورشلیم غربی و اورشلیم شرقی صحبت می‌شود. و حتی با وجود این اصطلاحات، انواع پیامدهای ژئوپلیتیکی برای کسانی از شما که این نوع چیزها را دنبال می‌کنید، وجود دارد. خب، این سرزمین ما بین مسائل اجتماعی-فرهنگی است.

می‌بینید، این یک زمینه بسیار جالب ایجاد می‌کند. بیاید در مورد زمین‌های بین این دو از نظر مسائل آب و هوایی صحبت کنیم، زیرا این نیز بسیار مهم است. در اینجا یک نقشه وجود دارد.

کارل راسموسن تا کتاب مقدس قرض گرفته‌ام. و فقط توجه کنید که اینجا چه داریم NIV من آن را از اطلس. ما دریای مرده خودمان را داریم.

ما دریای جلیل را داریم. این قرار است دره ریفت باشد. با گذشت زمان، ما واقعاً با آن آشنا خواهیم شد.

همانطور که متوجه شدیم، اینجا دریای مدیترانه و کویر به سمت شرق امتداد دارند. درست در میان، درست در میان، رشته کوهی که تقریباً تمام طول آن و کمی فراتر از آن، در این جهت، به سمت شمال امتداد دارد. رشته کوهی که عمدتاً به سمت شمال، کمی به سمت شمال شرقی و سپس به سمت جنوب امتداد دارد.

این منطقه بین دریا و صحرا است. این موضوع فوق‌العاده مهم است زیرا وقتی هوای مرطوب بر فراز دریا وجود دارد، که همینطور هم هست، کسانی از شما که در نزدیکی منطقه ساحلی زندگی می‌کنید، به خوبی می‌دانید که رطوبت یک مسئله است. بنابراین، بادهای غالب ما، به طور کلی، از غرب می‌آیند.

آنها این ابرهای مرطوب را می‌آورند، ابرهایی که بر فراز دریای مدیترانه جمع شده‌اند. آنها از میان آن رشته کوه عبور می‌کنند. و حالا، با من همراه شوید تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد، چون می‌دانم این یک نسخه ساده شده است، اما فکر می‌کنم به ما کمک می‌کند اهمیت این سه جزء را درک کنیم.

به سمت بالا رانده می‌شود، از رشته کوه بالا می‌رود و سرد می‌شود. دریا، کوه، صحرا. هوای مرطوب بالا می‌رود.

و بنابراین، همانطور که این اتفاق می‌افتد، نوعی بارندگی در دامنه‌های غربی کوه‌ها رخ خواهد داد. در فصل بارندگی، دو فصل وجود دارد. یکی زمستان است، و این فصل بارندگی است که عموماً از حدود اکتبر تا مارس ادامه دارد، و سپس تابستان خشک است.

در طول تابستان، ما آن رطوبت را خواهیم داشت. در شب، به دلیل خنک شدن هوا، این رطوبت به شکل شبنم خواهد بود. بنابراین، وقتی اوضاع عادی است، مانند نوعی رطوبت که می‌آید و در دامنه‌های غربی رسوب می‌کند، این رطوبت به طور مداوم وجود دارد.

توجه داشته باشید که هر چه ارتفاع بیشتر باشد، بارندگی بیشتر می‌شود. و بنابراین، اگرچه ما در منطقه اورشلیم میزان قابل توجهی باران داریم، شاید ۲۲ تا ۲۵ اینچ باران در سال، اما وقتی به کوه کرمل می‌رسید، وقتی به کوه حرمون می‌رسید، باران بیشتر می‌شود.

بنابراین در آن مناطق نیز باران بیشتری خواهیم داشت. میزان بارندگی از شمال به جنوب کاهش می‌یابد. بنابراین بدیهی است که در اینجا، میزان بارندگی به طور قابل توجهی کمتر خواهد بود، ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر یا کمتر در این منطقه.

میزان بارندگی از غرب به شرق کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، به محض اینکه آن ابرها بارش خود را در دامنه‌های غربی به جا بگذارند، ما شاهد سایه باران در اینجا خواهیم بود. جالب اینجاست که همانطور که لحظه‌ای پیش گفتم، تقریباً ۲۲ اینچ باران در سال در اورشلیم خواهید داشت.

دوباره همینجاست. ضمناً، اگر لازم باشد اورشلیم را روی نقشه پیدا کنید، همیشه می‌توانید. به انتهای شمالی دریای مرده بروید و سپس مستقیماً به سمت غرب بروید.

حدود ۱۲ مایل است، و درست همانجا خواهد بود. و درست روی خط الراس این دامنه کوه است. در شرق آن، سمت شرقی رشته کوه، ما یک سایه باران داریم.

زمانی که به اریحا، تنها در ۱۲ مایلی شرق اورشلیم، می‌رسید، احتمالاً میزان بارندگی سالانه بین ۲ تا ۴ اینچ است. بنابراین می‌بینید که سایه باران واقعاً چشمگیر است. خوب، بیایید ادامه دهیم و این بارندگی و منطقه هلال حاصلخیز را کمی بیشتر یا کمی بیشتر گسترش دهیم.

گفتم وقتی به آن نقشه مقدماتی نگاه کردم، و داشتیم درباره سوریه به عنوان یک منطقه حائل صحبت می‌کردیم، پیشنهاد دادم که برای سفر مردم از منطقه هلال حاصلخیز، چه بابل باشد و چه هر گروه خاص دیگری در اینجا، آنها باید از رودخانه‌ها پیروی کنند تا منابع آب را در آنجا نگه دارند. بنابراین، هلال حاصلخیز ما در درجه اول توسط رودخانه دجله تعریف می‌شود. در صورت تمایل، به زودی به این موارد اشاره خواهیم کرد.

دجله تا آنجا بالا می‌رود و سپس رودخانه فرات، که قرار است در این مسیر ادامه یابد. سپس، همانطور که از اینجا بالا می‌روید، وقتی به واحدهای تاریخی خود می‌رسیم، بیشتر در مورد پادان آرام و غیره صحبت خواهیم کرد. شما در امتداد ساحل مدیترانه خواهید بود، بنابراین ما یک تکه، یک تکه نازک‌تر، از ضلع جنوبی و جنوب غربی هلال حاصلخیز درست در امتداد ساحل مدیترانه داریم.

کمی بعد توضیح می‌دهم که چطور کار می‌کند، و بعد فقط چند سانتی‌متر از نقشه ما پایین‌تر می‌آید و مصر را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد چون رود نیل آنجاست. اما اگر به این منطقه‌ی تیره‌تر و برنزه توجه کنید، منطقه‌ی ماست که سالانه حدود دو تا چهار اینچ باران می‌بارد، و بخش بسیار کمی از آن مستقیماً به چیزی که لحظه‌ای پیش سایه باران نامیدیم، می‌رسد. خوب، فقط کمی حاشیه

من به منابع آب دجله و فرات اشاره کردم، و می‌خواهم فقط برخی از منابع آبی‌مان را که بر این منطقه بزرگ تأثیر می‌گذارند، بیان کنم. بدیهی است که نیل در مصر است، و وقتی ما یک واحد کوچک در مورد نیل در حدود چهار سخنرانی یا بیشتر انجام می‌دهیم، قرار است در مورد اهمیت آن از نظر تعریف کل فرهنگ مصر صحبت کنیم. نیل این را فراهم خواهد کرد.

هلال حاصلخیز که لحظه‌ای پیش به آن اشاره کردیم، و البته این دو رودخانه از نظر تأمین منابع آب پایدار برای آن منطقه بسیار مهم هستند. این یک فرهنگ گل‌آلود است. نیل نه چندان، اما رودخانه‌های دجله و فرات که از بین‌النهرین عبور می‌کنند، گل‌آلود هستند.

بین‌النهرین به معنای بین رودخانه‌ها است؛ خود اسمش هم همین است، و کاملاً منطقی هم هست، اگرچه در مورد اینکه دقیقاً کدام رودخانه‌ها هستند، بحث‌های جغرافیایی وجود دارد، اما فعلاً می‌خواهیم آنها را به عنوان دجله و فرات باقی بگذاریم. لبه جنوب غربی ما، همانطور که برایتان توضیح دادم، توسط موقعیت خشکی شکل گرفته است. بین دریا و صحرا قرار دارد.

این همان چیزی است که در مورد آن ابرهای باران‌زا که از دریا می‌آیند صدق می‌کند. وقتی خداوند از طریق موسی می‌گوید، این سرزمینی است که از آسمان باران می‌نوشد، دقیقاً همین‌طور است. و البته، همانطور که حدس می‌زنید و می‌شنوید و بعداً آن را می‌خوانید، خواهید دید که چگونه این امر از نظر برکت خداوند یا زمانی که او نیاز به اجرای تحریم‌های عهد علیه مردمی که از بارش باران خودداری می‌کنند، دارد، عمل می‌کند.

بنابراین در اینجا فقط به چند مرجع اشاره می‌کنیم. من در واقع قصد دارم برخی از این قسمت‌ها را بخوانم. تثنیه، باب ۱۱، بسیار مهم است.

ما هر از گاهی به آن برمی‌گردیم. پس اجازه دهید لحظه‌ای وقت بگذارم و همانطور که می‌خوانم، گاهی اوقات توقف کنم و شاید در مورد برخی از این موارد بیشتر توضیح دهم. تثنیه ۱۱ با فرمان خداوند مبنی بر دوست داشتن، دوست داشتن خداوند، خدای خود، و رعایت الزامات او آغاز می‌شود.

حالا، به آیه ۱۰ می‌روم. سرزمینی که شما برای تصرف آن وارد می‌شوید، مانند سرزمین مصر که از آن آمده‌اید نیست، جایی که بذر خود را کاشتید و آن را با پای پیاده مانند یک باغ سبزیجات آبیاری کردید. در مورد اینکه آبیاری با پای پیاده به چه معناست، بحث‌هایی وجود دارد.

ما چند نمونه از چرخ‌های آبی داریم، و شما گاهی اوقات آنها را با استفاده از پا می‌چرخانید، و سطل‌های کوچکی روی این چرخ وجود داشت که آب را جمع می‌کرد و به جایی که نیاز داشتید منتقل می‌کرد. به احتمال زیاد این واقعیت وجود دارد که در مصر، در کنار رودخانه نیل، یک دشت سیلابی وجود دارد. و هنگامی که آن دشت سیلابی پر از آب شود، آنها به راحتی کانال‌های آبیاری کوچکی را در تمام این مناطق دشت سیلابی ایجاد می‌کردند.

بسته به اینکه می‌خواستید آب به کجا برود، در واقع با پایتان جایی را باز می‌کردید، جای کوچکی را برای جریان آب حفر می‌کردید و سپس کانال‌های دیگر را نیز می‌بستید. بنابراین این یک راه برای فکر کردن به آن یا راه دیگری است. به هر حال، این زمین اینطور نیست.

آیه ۱۱. سرزمینی که شما برای تصرف آن از اردن عبور می‌کنید، سرزمینی کوهستانی است. ما قبلاً این را دیده‌ایم.

، و دره‌هایی که از آسمان باران می‌نوشند. این سرزمینی است که خداوند، خدای شما، از آغاز سال تا پایان آن پیوسته مراقب چشمان خداوند، خدای شما است. و حالا توجه کنید که این فقط یک جمله در مورد الگوهای آب و هوایی نیست.

اینجا چند احتمال وجود دارد. آیه ۱۳. بنابراین اگر با ایمان از دستوراتی که امروز به شما می‌دهم اطاعت کنید تا خداوند، خدای خود را دوست داشته باشید و با تمام قلب و تمام روح خود به او خدمت کنید، البته، این مستقیماً به اینجا برمی‌گردد، ای اسرائیل، خداوند، خدای ما، خداوند یکی است، شما خداوند، خدای خود را دوست خواهید داشت.

در هر صورت، به او اینگونه خدمت کنید. آنگاه من باران را در فصلش بر سرزمین شما خواهم فرستاد. و بعد یک امتیاز اضافی هم وجود دارد.

هم باران‌های پاییزی و هم باران‌های بهاری. به عبارت دیگر، لحظه‌ای پیش گفتم که فصل بارانی ما، که در آنجا زمستان نامیده می‌شود، عموماً از اکتبر تا مارس است، کم و بیش. باران‌های اولیه، خوب، کمی قبل از آن هستند.

آنها قرار است زمین را مرطوب و برای کاشت نرم کنند. این یک نعمت است. باران‌های بهاری، کمی تقویت‌کننده‌ی اضافی پس از پایان فصل بارندگی.

و این دقیقاً به اندازه کافی برای ادامه رشد آن محصولات کافی است. بنابراین باران‌های پاییزی و بهاری نعمت‌های ویژه‌ای هستند که بسته به ترجمه‌ای که می‌خوانید، گاهی اوقات باران‌های اولیه و باران‌های بعدی نامیده می‌شوند. به هر حال، خداوند قول می‌دهد که این کار را انجام دهد.

و سپس جایی وجود دارد که می‌توانید غلات، شراب تازه و روغن خود را در آن جمع کنید. ما در ادامه بیشتر در مورد آنها صحبت خواهیم کرد. آیه ۱۵، من در مزارع برای گاوهای شما علف فراهم خواهم کرد.

خواهید خورد و سیر خواهید شد. آیه ۱۶، مراقب باشید، وگرنه وسوسه خواهید شد که از آنها روی برگردانید و خدایان دیگر را پرستش کنید و در برابر آنها سجده کنید. به یاد داشته باشید، ما در مورد سرزمین بین جهان‌بینی‌های فرهنگی رقیب صحبت کردیم.

مسئله همین است و همین جا به آن پرداخته می‌شود. آیه ۱۷، آنگاه خشم خداوند بر شما شعله‌ور خواهد شد، و آسمان را خواهد بست تا باران نبارد و زمین محصولی ندهد و شما از سرزمین خوبی که خداوند خدایتان، به شما می‌دهد، هلاک خواهید شد. بنابراین، عواقب نگران‌کننده‌ای در پی خواهد داشت.

و اگر قبلاً در خواندن کتاب مقدس خود این کار را نکرده‌اید، به زمان‌هایی که قحطی به زمین حمله می‌کند، چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید، نگاه کنید. بنابراین باران‌های زود هنگام و دیر هنگام و به طور کلی باران و باروری زمین. ما به برخی از آن باروری‌های دیگر در ادامه خواهیم پرداخت.

ما همچنین اشاراتی به انجام دادن می‌بینیم. شعر فوق‌العاده‌ای در تثنیه ۳۳. ما حجی را می‌بینیم، مزمور ۱۳۳ را می‌بینیم، یک متن فوق‌العاده.

چقدر خوب و دلپذیر است وقتی برادران و خواهران در اتحاد با هم زندگی می‌کنند. مثل روغنی است که روی ریش ریخته می‌شود، و می‌توانیم در مورد آن صحبت کنیم، اما آیه‌ای که من هدف دارم شب‌نم کوه حرمون بر کوه صهیون است. این یک چیز فوق‌العاده طراوت‌بخش است.

کوه حرمون، همانطور که بعداً خواهیم دید، بسیار شمالی‌تر است و شب‌نم آنجا سنگین‌تر خواهد بود. اگر آن را به کوه صهیون، جایی که خانه خدا بنا شده بود، می‌بردند، این یک برکت عظیم می‌بود.

ما همچنین اشاراتی به پژمردگی می‌بینیم. به عبارت دیگر، برگردیم به موضوع قحطی که لحظه‌ای پیش به آن اشاره کردم. وقتی به نقشه‌مان نگاه کردیم، من برای لحظه‌ای نشانگر ماوس را روی آن تکان دادم.

کوه کرمل درست در دریای مدیترانه پیش رفته است. مرتفع است. در غرب دورتر قرار دارد.

این مکان میزان بارندگی قابل توجهی دارد. وقتی خشک می‌شود، داوری خدا بر مردم نازل می‌شود. و هم عاموس ۱:۲ و هم ناحوم ۱:۴ درباره اوج داوری پژمرده کننده کامل صحبت می‌کنند.

وقتی به روایت الیاس پردازیم، که به خواست خدا انجام خواهیم داد، شاهد خشک شدن قله کرمل خواهیم بود، و با این حال، آنجا جایی است که الیاس بین خود به عنوان پیامبر خداوند، خدای اسرائیل، و پیامبر بعل رقابت خواهد کرد. به هر حال، اشاراتی به آن و سپس اشاراتی به آن، خب، اکنون به آن همسین یا شوروا می‌گویند، اگرچه در متن کتاب مقدس به این نام نامیده نمی‌شود. این باد، بادی سوزان و سوزان از بیابان است.

این زمانی است که آن بادهای غالب از غرب برای مدتی نمی‌وزند. در عوض، جهت باد تغییر می‌کند، و مطمئناً می‌توانید ببینید که چرا بیرون آمدن از یک بیابان بسیار خشک، که در تابستان می‌تواند به حدود درجه فارنهایت برسد، وحشتناک خواهد بود. ارمیا ۴ آیات ۱۱ و ۱۲ در مورد آن باد سوزان بیابان که ۱۳۰ همه چیز را پژمرده می‌کند صحبت خواهد کرد.

من اینجا چند تا عکس به عنوان نمونه دارم. این اولی، شاید فکر کنید، اوه، این فقط نگاه کردن به یک ابر کوچک زیباست. خب، در واقع، به یک ابر نگاه می‌کند، اما ابری از گرد و غبار در هواست.

این باد شدید بیابانی، چون چیزی وجود ندارد که آن گرد و غبار بسیار ریز را روی زمین نگه دارد، انواع گرد و غبار را به هوا بلند می‌کند. و بنابراین ما اینجا در ظهر هستیم و مستقیماً به خورشید نگاه می‌کنیم. ما در واقع در قسمت منفی زمین قرار داریم و عکس می‌گیریم زیرا این مقدار گرد و غبار در هوا وجود دارد.

این می‌تواند گاهی اوقات چند روز ادامه داشته باشد. اغلب، نه همیشه، اما معمولاً در زمان گذار بین زمستان و بهار خود را نشان می‌دهد. بنابراین، در ماه مه نوعی عدم قطعیت و بی‌ثباتی فصلی وجود دارد.

ما این صحنه‌های آرام را می‌بینیم. گاهی اوقات بعد از آن باران می‌بارد، و وقتی هم که می‌بارد، روی هر چیزی که آنجاست گل و لای می‌بارد. بگذارید یک مثال دیگر برایتان بزنم.

همانطور که می‌بینید، این عکس نسبتاً اخیراً گرفته شده است. این اورشلیم است. از آن سوی دره هینوم دیده می‌شود، که می‌توانید آن را از اینجا ببینید، اما همه آن چیزها غباری در هوا هستند.

این شکلی است که معمولاً آنجا دیده می‌شود. گرد و غبار را کنار بزنید، و اینجا هستیم، کلیسای نمادین اسکاتلند، بزرگ و مرکزی، دره هینوم، در پایین. خب، این دو تصویر از منظره آرام و مشکلاقی که به دلایل مختلف ایجاد می‌کند، از جمله نفس کشیدن، را به شما می‌دهد.

خود عیسی در مورد برخی از این الگوهای آب و هوایی صحبت خواهد کرد، و من کمی از این را نقل قول کردم تا نشان دهم که او انتظار داشت جمعیتش بدانند که آب و هوا چگونه کار می‌کند. و ضمناً، این کاملاً منطقی است، زیرا، بدیهی است که این مخاطب عیسی کسی است که با وجود کشاورزی سر و کار دارد. به هر حال، عیسی به جمعیت گفت، وقتی ابری را می‌بینید که از غرب بالا می‌آید، می‌گویید که باران خواهد بارید.

و بنابراین او تشخیص می‌دهد که آن الگوهای مداوم آوردن ابرهای پر از رطوبت از غرب، بارندگی مورد نیاز را ایجاد می‌کنند. و وقتی باد جنوبی می‌وزد، آنجا صحنه آرام است. شما می‌گویید که هوا گرم خواهد بود، و همینطور هم هست.

و البته، او از آن درس عبرتی می‌گیرد، اینطور نیست؟ ریاکاران، شما می‌دانید چگونه ظاهر زمین در آسمان را تفسیر کنید. و اتفاقاً آنها در این کار مهارت داشتند. اما سپس او ادامه می‌دهد که چطور شما نمی‌دانید چگونه این زمان حال را تفسیر کنید؟ و انواع و اقسام مفاهیم مرتبط با آن وجود دارد.

خب، من چند لحظه پیش اصطلاح «زمین آزمایش ایمان» را مطرح کردم. این دو اصطلاح را در ذهن داشته باشید زیرا آنها درک ما از زمین را در ادامه‌ی مسیر شکل می‌دهند. این زمین، بین تمام آن «بین‌بودگی‌ها» پی است که ذکر کردیم، و چون این درست است، به یک زمین آزمایش ایمان تبدیل می‌شود.

وعده‌های عهد خدا بر این اساس بنا شده‌اند. وقتی او عهد را در سینا به آنها بیان می‌کند، می‌گوید که عواقبی در پی خواهد داشت. عواقبی که اگر آنها از تورات اطاعت کنند، مانند نعمت‌های کشاورزی، امنیت، او این چیزها را وعده می‌دهد.

اما در هر دوی این متون، نافرمانی به معنای قحطی، مرگ و نابودی به دست دشمنان است، نه عواقب خوش. تثنیه، فصل هشتم، می‌گوید که این سرزمین خوبی است. در واقع، از نظر ژئوپلیتیکی، سرزمینی بین این دو است.

اگر مردم مطیع باشند، این می‌تواند خوب باشد، و ما مطمئناً این را می‌بینیم وقتی پادشاهان خوبی داریم که با مردم اطراف خود به خوبی و عاقلانه رفتار می‌کنند. این سرزمین از نظر الگوهای آب و هوایی خوب است زیرا میزان بارندگی برای حاصلخیزی آن کافی است، همانطور که در لحظه‌ای که شروع به صحبت در مورد زمین‌شناسی می‌کنیم، خواهیم دید. بله، زمین‌شناسی واقعاً جالب است و دانستن آن مهم است.

این سرزمینی است که روی هم رفته، بخش عمده‌ای از آن که قبایل خدا در آن کاشته شدند، خاک بسیار حاصلخیزی دارد. و بنابراین بارندگی را با خاک حاصلخیز جمع کنید، سرزمینی خواهید داشت که خدا آن را برکت داده است. ما همچنین از نظر ژئوپلیتیکی سرزمینی داریم که بین آن می‌تواند یک سکو وجود داشته باشد.

خیلی جذابه، و من الان دارم به پرش خیلی جلوتر به یه داستان کوتاه از عهد جدید می‌کنم. خیلی جذابه که، هیروود کبیر، این اسمیه که همه شما می‌شناسید، هیروود کبیر، وقتی جایی به اسم قیصریه رو کنار دریا ساخت قصد داشت از اون به عنوان نقطه ورود چیزی که فرهنگ رومی درجه یک، جهان‌وطنی و خیلی بهتر یونانی- رومی می‌دونست، به این سرزمینی که فکر می‌کرد یه کم دورافتاده‌ست، بیاره. اون به عنوان پادشاه منصوب شده بود.

اما به خواست خدا، روح القدس این وضعیت را ۱۸۰ درجه تغییر داد، و از قیصریه خواهد بود که ما واقعاً این تأثیر تریبونی را خواهیم داشت زیرا انجیل از آن نقطه منتشر خواهد شد. خب، بیا بید به ادامه مطلب پردازیم

و کمی در مورد این مسائل مربوط به محصول زمین که قبلاً هنگام خواندن به آن اشاره کردم، به ویژه تثنیه بفهمیم. غلات، شراب تازه و روغن. این را به عنوان سه‌گانه محصولات کشاورزی در نظر بگیرید، ۱۱:۱۴

آیا آنها چیزهای دیگری هم پرورش می‌دهند؟ بله، پرورش می‌دهند. اما این سه‌گانه بارها و بارها، هم در وعده‌های عهد ما، تثنیه ۱۱، و هم در صحبت‌های پیامبران، ظاهر می‌شود. زیرا، همانطور که احتمالاً می‌دانید، مدت زیادی است که در این دسته قرار دارید، پیامبران واسطه‌های اجرای عهد نامیده می‌شوند، و بنابراین وقتی مردم مطیع بودند یا نبودند، به مفاد عهد برمی‌گشتند و به آنها مراجعه می‌کردند.

بنابراین یوئیل، در میان بسیاری از پیامبران دیگر، قصد دارد درباره غلات، شراب تازه و روغن صحبت کند. ترتیب برداشت آنها. بیایید کمی به آنها نگاه کنیم.

مزارع غلات را می‌بینید. ضمناً، این تکه آب کوچک اینجا گوشه دریای جلیل است، و مزارع غلات زیبایی را می‌بینید که آماده برداشت هستند. نان ترجمه اصطلاح «لِجِم» است

به معنای خانه نان، تشخیص می‌دهیم. اما مترادف با غذا است، و بنابراین، beet lehem ما این را در کلمه این کار را کاملاً به طور مداوم انجام NIV در برخی از ترجمه‌های شما، وقتی غذا را می‌بینید، فکر می‌کنم به معنای نان، را ترجمه می‌کند زیرا، lehem می‌دهد؛ وقتی اصطلاح غذا را می‌بینید، در واقع آن اصطلاح مقدار زیادی کالری دریافتی به آن بستگی دارد. انگور

غلات، شراب تازه و روغن. و بنابراین شما می‌توانید به خوبی من ببینید و بخوانید. شراب برای آنها مهم بود. دستگاه تصفیه آب، چیزهای دیگر

این روشی است که قبلاً انگورها در زمین پرورش داده می‌شدند. آنها درست روی زمین بودند. اکنون، وقتی به اسرائیل سفر می‌کنید، تقریباً هر مکان پرورش انگور دارای داربست است زیرا آبیاری دارد

با این حال، اینجا این تاک‌ها بودند، ساقه، یا ببخشید، خود شاخه تاک، خود تاک، روی سنگی در زیر قرار داشت که آن را کمی بالا نگه می‌داشت، و تمام آن جنبه‌ها، هم برگ‌ها، هم تاک و هم سنگ زیر آن، شب‌نم را جمع می‌کردند و آن شب‌نم به زمین می‌ریخت. اینجا یک پرس شراب بسیار کوچک است. ممکن است دیدن آن سخت باشد

در واقع درست در وسط یک تاکستان انگور، در دل سنگ کنده شده است. تاکستان کلمه مناسبی نیست، اما به هر حال، آنجاست. می‌توانید طرح کلی آن را اینجا ببینید

کوچیکه. انگورها رو می‌ذارى اونجا، لهشون می‌کنی، و بعد می‌ذارى شراب تو اون خمره کوچیک جمع بشه. وای، من یکی رو اینجا جا انداختم

بیا به کم بریم عقب. اوه، دیگه برنمی‌گردیمش. باشه، به لحظه صبر کن

آن مورد آخر صرفاً یک درخت زیتون بود، بنابراین ما به کارمان ادامه می‌دهیم. علاوه بر غلات، شراب تازه و روغن، ما از نعمت‌های کشاورزی دیگری نیز برخورداریم، چیزی که لحظه‌ای پیش به آن اشاره کردم، یعنی خاک‌های فوق‌العاده. ما همچنین چشمه داریم و این نیز به زمین‌شناسی بستگی دارد

به این موضوع برمی‌گردیم. اینجا منطقه‌ای با زندگی نیمه‌کوچ‌نشینی است، به خصوص در حاشیه‌ها و کناره‌های آن، بنابراین تعداد زیادی گله، گوسفند و بز در کنار هم هستند و شما آنها را تماشا می‌کنید

همانطور که متوجه می‌شوید، اینها هم از نظر نحوه زندگی و هم از نظر تغذیه، به خصوص شیر بز، غذای زیادی را فراهم می‌کنند و باید با هم باشند.

توجه کنید که اینجا یک نکته‌ی کوچک وجود دارد. گوسفندان در یک منطقه بیش از حد چرا می‌کنند. آنها تمایل دارند آنجا بمانند.

بزها آنها را به حرکت در می‌آورند، و آنها کل گله را به جلو می‌رانند. فقط یک نکته‌ی فرعی برای آن دسته از شما که به منابع کوچک علاقه دارید، تیم لانیاک، که با مدرسه‌ی الهیات گوردون کانول در ارتباط است، کتاب کوچک و دوست‌داشتنی‌ای بر اساس زمانی که او و همسرش با بادیه‌نشین‌ها زندگی می‌کردند، نوشته است. خوب، یا به گوسفندانم قسم، یا به هیچ وجه.

خب، چوپان‌ها از گله‌هایشان مراقبت می‌کردند. ببخشید. من آن دو عنوان سرود کریسمس را با هم قاطی می‌کنم.

به هر حال، او درس‌هایی در مورد این نوع چیزها می‌دهد که می‌توانیم از زندگی با بادیه‌نشینان بیاموزیم و سپس آنها را در مورد کشیشان به کار می‌برد، زیرا آنها نیز چوپان گله‌ها هستند. به هر حال، با ادامه‌ی داستان نشانه‌های دیگری در متن کتاب مقدس داریم که نشان می‌دهد گله‌ها نیز وجود دارند، و همچنین نشانه‌هایی از درختان و مراتع غنی داریم. بنابراین، اگرچه گاهی اوقات به تصاویر زمین نگاه می‌کنید، مردم برمی‌گشتند و به نظر می‌رسد که در فصل بارندگی بسیار خشک و بی‌حاصل است، اما اینطور نیست.

و همچنین می‌توانم بگویم که ۲۰۰ سال پیش، ۳۰۰ سال پیش، ۴۰۰ سال پیش، ۲۰۰۰ سال پیش، از نظر درختان هم متفاوت بود. متأسفانه، در طول امپراتوری عثمانی، ۴۰۰ سال قیومیت ترکیه، تعداد زیادی درخت قطع شد. دلایل ژئوپلیتیکی جالبی برای این امر وجود دارد.

از همان ابتدا، وقتی خداوند در کوه حوریب با موسی صحبت می‌کند، می‌گوید، این سرزمینی خواهد بود که شیر و عسل در آن جاری است. و می‌بینید که این عبارت بارها و بارها تکرار می‌شود. بدون شک شیر، شیر بز است، همه آن گله‌های شگفت‌انگیز.

عسل می‌تواند یکی از دو چیز باشد. به نظر می‌رسد که قبل از اینکه این افراد، قوم خدا به این سرزمین بیایند و میراث قبیله‌ای خود را به دست آورند، بیشتر شهرهای بزرگ در مناطقی بودند که به دشت ساحلی نزدیک‌تر بودند. کمی بعدتر در مورد آن مناطق صحبت خواهیم کرد.

و این منطقه که در واقع یک منطقه کوهستانی بود، جمعیت بسیار کمتری داشت، و گل‌های وحشی هم همینطور. در روایت سامسون می‌بینیم که لحظه‌ای پیش از سامسون نام بردیم. از زنبورها، کندوها، عسل و غیره نام برده شده است. و بنابراین چنین چیزهایی را داریم.

با این اوصاف، کسانی هم هستند که فکر می‌کنند در آن مناطق کوهستانی بالای تپه، انگور نبود؛ ببخشید انگور بود، بگذارید دوباره امتحان کنم، نخل خرما نبود. بعضی‌ها فکر می‌کنند که نخل خرما ممکن است برای آنها در مناطق پایین‌تر، معجون عسلی شیرینی فراهم می‌کرده است. خوب، در اینجا یک متن جالب وجود دارد.

همه ما لزوماً به فهرست ناظران پادشاه به عنوان مکانی برای مطالعه جغرافیا فکر نمی‌کنیم. اما اجازه دهید فقط اول تواریخ ۲۵ تا ۳۱ را خلاصه کنم. من قصد ندارم کل آن را بخوانم، اما در مورد افرادی صحبت می‌کند که کنترل املاک سلطنتی را در دست دارند.

و این چیزی است که آنها کنترل می‌کردند. آنها زمین‌هایی را که مسئول تاکستان‌ها، مسئول درختان انجیر چنار در دامنه‌های غربی، درختان زیتون، روغن زیتون، گله‌های در حال چرا در شارون بودند، کشت می‌کردند، که قرار است در مورد آنها صحبت کنیم، گله‌ها در دره‌ها، شترها، الاغ‌ها، گله‌ها و بنابراین، در آن متن کوچک، ما نشانی از هر دو منطقه داریم. کمی بعد، مطالعات منطقه‌ای و همچنین محصولات زمین را انجام خواهیم داد.

خب، فعلاً همینقدر از زمین تعریف کردیم. بیایید سریع به سراغ متون برویم. فقط جهت یادآوری، آن مجموعه چهارگانه از زیرشاخه‌هایی که به جغرافیای تاریخی، زمین و متن کمک می‌کنند، در رتبه دوم، نام‌شناسی مکان‌ها در رتبه سوم و باستان‌شناسی در رتبه چهارم قرار گرفتند.

چند نکته در مورد متون. و این به وضوح یک موضوع مورد تمرکز است. این متون بر متونی تمرکز خواهند داشت که به درک ما از تاریخ در بستر جغرافیایی آن کمک می‌کنند. بنابراین، بدیهی است که ما به همه چیز نگاه نمی‌کنیم.

ما قصد داریم به منابع کتاب مقدس نگاهی بیندازیم. و فقط چند مورد که به ما کمک می‌کند بفهمیم انواع مختلفی از منابع جغرافیایی، حتی در متن کتاب مقدس، وجود دارد. من آنها را در یک لحظه باز خواهیم کرد. بنابراین الان آنها را نمی‌خوانم.

ما همچنین قصد داریم زمانی را صرف بررسی متون خارج از کتاب مقدس کنیم. بیشتر آنها از مصر آمده‌اند. بدیهی است که به این دلیل است که مصر مکانی خشک است و ما متون بیشتری را در آنجا نسبت به برخی از این مکان‌های دیگر حفظ می‌کنیم.

بعلاوه، فراعنه مصر روشی داشتند که اغلب در میان سرزمین‌ها رفت و آمد می‌کردند و سوابق حملات خود به آن منطقه را حفظ می‌کردند. بنابراین، در اینجا فقط خلاصه‌ای از انواع متونی که در اختیار داریم، آورده شده است. توضیحات در درجه اول برای حفظ برخی از سوابق از دوران باستان نوشته شده‌اند.

پیدایش ۱۰ یکی از آنهاست. کمی بعد به آن برمی‌گردیم. سپس نوع دیگری از متن، یعنی توصیف مرزها را داریم.

یادتان هست از همان اول یوشع ۱۵ چه خواندم؟ خب، از ۱۵ تا ۱۸، ما نام مرزها یا حداقل فهرست شهرها را داریم. و به نظر می‌رسد که اینها برای اهداف اداری استفاده می‌شده است. و جالب اینجاست که این [نام] به صورت کوچک در متن کتاب مقدس آمده است.

ما مطمئناً آن را به شکل بسیار بزرگتری از بافت مصری خود در فرعون‌هایی که درباره لشکرکشی‌هایشان صحبت می‌کردند، داریم. اما اول پادشاهان ۱۵ و دوم پادشاهان ۱۵، این واقعاً مفید است زیرا هر دو فصل هستند. اما آنها قرار است درباره فتوحات، یا شاید بهتر است بگویم تهاجمات، به سرزمین توسط دو حاکم ۱۵ خارجی صحبت کنند.

بیایید کمی بیشتر در مورد آنها صحبت کنیم. در اینجا پیدایش ۱۰ آمده است، فقط گزیده‌ای کوتاه برای اینکه بفهمیم کل این گزارش از دوران باستان درباره چیست. پسران یافث، مردمان ساحل

و سپس از کوش، مصر و کنعان نام می‌برد. و سپس، اگر به جمله آخر بروید، قلمرو کنعانیان، و حالا توجه کنید که چقدر دقیق می‌شود، از صیدون، که اتفاقاً در منطقه فنیقیه، در جهت جرار تا غزه قرار دارد و مستقیماً در امتداد ساحل دریای مدیترانه امتداد دارد، و سپس در جهت سدوم، عموره، ادما و زبوتیم

البته، این یک اشاره واقعاً جالب است زیرا ما دقیقاً نمی‌دانیم آن شهرها کجا بودند. آنها همان‌هایی بودند که در پیدایش ۱۹ نابود شدند. تصویر بعدی باز هم از یک متن کتاب مقدس است.

شرح مرزها، فهرست‌های تائو. من قبلاً به این اشاره کردم، بنابراین اجازه دهید به سادگی خاطرنشان کنم که همانطور که لحظه‌ای پیش اشاره کردم، برتری یهودا را داریم. تمام فصل ۱۵، تمام ۶۳ آیه آن

سپس، می‌توانید متوجه شوید که برخلاف شمعون، زیولون، یساکار، اشیر، نفتالی و دان که در فصل ۱۹ کمتر به آنها پرداخته شده است، اینها سفرهایی هستند که لحظه‌ای پیش به آنها اشاره کردم. وقتی شروع به صحبت در مورد این مناطق خاص که این اتفاقات در آنها رخ داده است، می‌کنیم، برمی‌گردیم و دوباره به آنها می‌پردازیم.

بنابراین، من الان وارد شرایط ژئوپلیتیکی زیربنایی هر یک از این تهاجم‌ها نمی‌شوم. چیزی که می‌خواهم ببینید، ذکر نام‌هاست. شما یک پادشاه سوری دارید.

نام او بن-هدد است. او توسط پادشاه یهودا احضار شده است. و او چه می‌کند؟ او ارتشی را به جایی که در آن زمان پادشاهی شمالی بود، می‌فرستد.

این اسرائیل است. فهرست بعدی نام‌ها ممکن است هنوز برای شما خیلی معنی نداشته باشد. اما در نهایت برایتان معنی خواهد داشت، زیرا ایون، دان، آبا بیت معخا، تمام کینرت، تمام سرزمین نفتالی، به این معنی است که این منطقه یکی یکی تصرف شده است.

یک شهر، یک شهر دیگر، یک شهر دیگر، و کل منطقه در آن زمان توسط موجودیت ژئوپلیتیکی سوریه تحت رهبری بن حداد بلعیده می‌شود. این در یک خط سیر است. همان نوع خط سیر از قسمت شمالی کشور می‌آید؛ دوباره به نام‌ها توجه کنید.

عون، ابا بیت معخا، و حالا اوضاع بدتر هم می‌شود. اینها نام‌هایی هستند که اهمیت بیشتری دارند و همه به تمام سرزمین نفتالی ختم می‌شوند. سرزمین نفتالی میراث قبیله‌ای بود که درست در شمال و غرب دریای جلیل قرار دارد.

بنابراین این شخص به نام تیگلات-پیلسر، که پادشاه آشور و بین‌النهرین است، تقریباً تمام آن منطقه را تحت حکومت و سلطه خود درآورده است. خوب، بیایید چند متن خارج از کتاب مقدس را بررسی کنیم، و این البته با مطالعه باستان‌شناسی ما همپوشانی خواهد داشت. ما همین نوع مطالب را از ژورنال‌های سفر اکتشافی به مصر داریم.

قبلاً کجا چنین چیزی دیده‌ایم؟ ما همچنین فقط یک نمونه از پایروس ادبی داریم، مربوط به شخصی به نام سینوی، که بسیار جالب است. این پایروس سفر او را به منطقه کنعان شرح می‌دهد. ما متون نفرین داریم که کلمات عجیبی هستند، اما برای کسانی از شما که می‌خواهید به فرهنگ لغت گوگل خود نگاه کنید، اینها متونی هستند که نفرین‌ها را تلفظ می‌کنند.

آنها دشمنان شخص خاصی را که سند را تشکیل می‌دهد، نفرین می‌کنند، و من از سندی در گیومه استفاده می‌کنم. به زودی تصاویری از آنها را خواهید دید. و احتمالاً یکی از آنها که ممکن است کمی آشناتر باشد، مکانی به نام العمارنه است که مجموعه‌ای کامل از نامه‌ها در آن پیدا شده است.

وقتی در مورد شهرهای جداگانه در سرزمین کنعان صحبت کنیم که این نامه‌ها را برای فرعون در مصر می‌فرستادند، فرعون که به نظر آنها، کاری را که باید برای نظارت بر آن سرزمین و رفاه آنها انجام می‌داد، انجام نمی‌داد. خوب، این فقط یک نمونه از فهرست سفرهای اکتشافی است. توتمس سوم، که احتمالاً مهم‌ترین فاتح مصری است، اگر بخواهید، یک فرد نظامی بود.

ما تعدادی سند از کارهایی که او انجام داده داریم، که برخی از آنها در کنعان اتفاق افتاده است. او در قرن پانزدهم، یعنی ۱۴۰۰ پیش از میلاد مسیح زندگی می‌کرد، و هر یک از این شکل‌های بیضی کوچک که یک سر در بالای آن دارند، و یک کارتوش است، و نام مکانی را که او فتح کرده است، دارد، و این به ترتیب به بالا ادامه می‌یابد. توجه کنید که تعداد قابل توجهی از مردم تحت سلطه او بوده‌اند.

روی این تابلو، تصویر بزرگی از او در حال استفاده از تجهیزات جنگی‌اش وجود دارد. دو مجموعه مختلف از متون نفرین. یکی از آنها، یک مجموعه از آنها، این نام‌ها، نفرین‌ها را روی گاوها گذاشته است.

آنها نام یک شخص را ذکر می‌کردند. البته، اگر این گاو نر را می‌شکستید، این کار نمادین بود، نوعی کار جادویی برای شکستن قدرت آن دشمن خاص. همانطور که می‌بینید، اینها مربوط به اواسط قرن نوزدهم قبل از میلاد هستند و در این مورد خاص به اورشلیم اشاره شده است.

سبک دیگر ساختن مجسمه‌های کوچک سفالی بود. خواهید دید که این‌ها کمی جدیدتر هستند، اما در واقع یک سر داشتند. آن سر تا حدودی شبیه سرهایی است که در فهرست توتمس دیده‌اید، اما باز هم یک نفرین تلفظ می‌شد، و همه اینها مفید هستند زیرا مکان‌ها را فهرست می‌کنند.

به همین دلیل است که آنها مفید هستند. ما در حال حاضر در حال مطالعه جغرافیا هستیم. بایگانی‌هایی که در آمارنا پیدا شدند، یک نمونه از نمونه‌های بسیار هستند.

مخفف متون خاور نزدیک باستان است، یک کتاب بسیار کلاسیک که بسیاری از این موارد را ANET گردآوری کرده است. اینها شماره صفحات آنجا هستند، اما این مورد خاص که به خط میخی نوشته شده، به مکان، هورون یا هبرون، اشاره می‌کند. همه اینها برای ما فوق‌العاده مفید هستند.

فقط چند متن اضافی از کتاب مقدس، و من اینها را نه به این دلیل که مشخصاً جغرافیایی هستند، ذکر می‌کنم. شما می‌توانید آن جمله طلایی را به خوبی من بخوانید، اما آنها در واقع وقایع کتاب مقدس را در آن زمینه‌های جغرافیایی که آن وقایع در آنها رخ داده است، تأیید می‌کنند. از آشور، ما شلمانسر سوم را داریم که قرار است یک ستون سنگی، اساساً یک سنگ ایستاده، بسازد که در مورد چگونگی فتح یهو و مجبور کردن او به پرداخت خراج صحبت می‌کند.

در واقع تصویری از یهو وجود دارد که در مقابل شلمنصر تعظیم می‌کند. کسانی از شما که به موزه بریتانیا می‌روید، می‌توانید آن را آنجا ببینید. از ماوراء اردن، چیزی به نام سنگ یادبود مشا داریم که از شاه مشا است.

جالب اینجاست که این نام در کتاب پادشاهان ذکر شده است، بنابراین این یک تأیید است. سپس، بعداً در مورد کتیبه تل دن بیشتر خواهیم گفت. دن، خوب، اگر آن فهرست، آن فهرست لشکرکشی، آن فهرست تهاجم را به خاطر داشته باشید، دن یکی از آن‌هایی بود که گرفته شد، بنابراین آن شهری در بخش شمالی است.

همانطور که مشخص است، این کتیبه خاص از کسی است که اتفاقاً در سوریه یا آرام حکومت می‌کرده است، و او به این واقعیت مباحثات می‌کند که یک پادشاه شمالی را از بین برده است، و نکته مهم اینجاست، خاندان داوود. به این موضوع نیز باز خواهیم گشت. فقط تصویری از سنگ یادبود مشا

این تاریخچه جالبی دارد. در دهه ۱۸۰۰ پیدا شد. متأسفانه، مردمی که در محل پیدا شدن آن زندگی می‌کردند، نسبت به افرادی که برای یافتن آن می‌آمدند، بسیار مشکوک بودند و بنابراین آن را شکستند.

ما نوعی قالب گچی از آن داریم. در موزه امان، اردن است. می‌توانید آن را ببینید.

این تصویری از کتیبه تل دان است، و دوباره، به قتل اشاره می‌کند، و اتفاقاً آن چیزهایی که داخل پرانتز هستند، جایی هستند که ما یک وقفه داریم، اما وقتی قسمت آخر یک نام، رام، پسر پادشاه اسرائیل را کنار هم قرار می‌دهید، می‌توانید به نوعی این ایده را بگیری که احتمالاً یهورام است، و اگر پسر پادشاه خاندان داوود را داشته باشید، احتمالاً اخزیا است. البته، این یک مرجع جالب است زیرا شما پادشاه سوریه یا پادشاه آرامی را دارید که می‌گوید این دو نفر را از پا درآورده است، همانطور که متن کتاب مقدس را در دوم پادشاهان ۹ و ۱۰ می‌خوانیم. این یهو است که آنها را کشته است.

فقط چند منبع اضافی در سرزمین اوستراکو چیست؟ سوال خوبی است. این یک قطعه کوچک سفال است.

سفال همه جا پیدا می‌شود. سفال‌های شکسته حتی بیشتر هم دیده می‌شوند، اما برای نوشتن یادداشت‌های کوچک خیلی خوب هستند، و بنابراین شما تکه‌های سفال، تکه‌های شکسته سفال، دارید که گاهی اوقات با کتیبه‌هایی روی آنها پیدا می‌شوند. من تمایل دارم آنها را یادداشت‌های چسبی دوران باستان بنامم، اگر این کمی به شما کمک کند، چون فقط نوشتن یادداشت از مکانی به نام سامره چیز کوچکی است.

بعداً خواهیم دید که آن کجاست. بعضی از سفالینه‌ها این شکلی هستند. خب، دسته‌های کوزه سفالی بیشتری هم وجود دارد.

از کوزه برای حمل انواع چیزها، روغن، گندم و غیره استفاده می‌شود، و گاهی اوقات این دسته‌های کوزه دارای اثر مهر سلطنتی یا فقط اثر مهر بوده‌اند. ما از مکانی به نام لاکیش، که بعداً بارها به آن خواهیم پرداخت، سفالینه‌های بیشتری داریم که درباره دوران سخت مردمی که در آنجا بوده‌اند صحبت می‌کنند، و سپس آراد به همین شکل، سفالینه‌هایی از مردمی که از آن مکان در نقب دفاع می‌کردند. باز هم، بعداً در مورد مکان‌ها صحبت خواهیم کرد.

کتیبه معروف سیلوئم در جایی یافت شده است که ما آن را تونل حزقیا می‌نامیم. وقتی در مورد جغرافیای اورشلیم صحبت می‌کنیم، با تونل حزقیا سروکار خواهیم داشت، اما این توضیح می‌دهد که چگونه ساخته شده است، و البته، این یک چیز بسیار چشمگیر است. در اینجا کمی نمای نزدیک از آن سنگ قبر وجود دارد، و فقط برای اینکه ببینید الفبای عبری، برای کسانی که عبری می‌خوانند، این یکی را می‌شناسند.

این زبان پالئو-عبری است، و این نحوه‌ی تطبیق آن با الفبای است که ما می‌شناسیم. این کمی جالب است زیرا این نام الهی درست روی آن سنگ قبر است. خب، ما راه خود را در این سرزمین پیدا کرده‌ایم، مروری بر متون، مروری بر انواع متون، و حالا نگاهی خیلی سریع به نام‌گذاری مکان‌ها یا مطالعه‌ی نام مکان‌ها.

این یک عکس است، نه اینکه یک عکس باشد، بلکه طرحی از یکی از مشهورترین جغرافی‌دانان تاریخی دهه اودارد رابینسون، است. اثری سه جلدی که سفرهای او را در این سرزمین شرح می‌دهد. خواندنش، ۱۸۰۰ جذاب بود، اما او جزو افراد جسور و بی‌باکی بود که در دهه ۱۸۰۰ و اواسط دهه ۱۸۰۰، پیشگام این حرفه یعنی مطالعه نام مکان‌ها و تطبیق آنها با متن کتاب مقدس بودند.

حالا، چطور کار می‌کند؟ خب، متن کتاب مقدس که به زبان عبری نوشته شده، که لحظه‌ای پیش به آن نگاه کردیم، پیوستگی زبانی دارد، زیرا همانطور که او در دهه ۱۸۰۰ آنجا بود، به زبان عربی صحبت می‌شد. آنها از یک خانواده زبانی هستند. نام‌هایی وجود دارند که بسیار شبیه به هم هستند، از عبری به عربی

بعداً به چند نمونه از آن خواهیم پرداخت. برای اینکه تداومی وجود داشته باشد که در آن تداوم زبانی منعکس شود، باید تداوم منبع آب وجود داشته باشد، زیرا در آن مکان، شما فقط محل کسب و کار خود را هر جا که می‌خواهید پارک نمی‌کنید. شما باید در نزدیکی یک منبع آب زندگی کنید، چه چشمه باشد و چه چاهی که بتوان آن را حفر کرد.

به همین ترتیب، همچنان که این شهرها در طول قرن‌ها پابرجا بودند، باید به طور معقولی قابل دفاع می‌بودند. و بنابراین، همانطور که رابینسون و دیگران در جستجوی این شهرها بودند، به دنبال روستاهایی بودند که واقعاً در نزدیکی چشمه‌ها باشند، به خصوص در منطقه تپه‌ای. دوباره خواهیم دید که چرا این موضوع صحت دارد.

آنها به دنبال شهرهایی بودند که نوعی موقعیت قابل دفاع، احتمالاً دره‌هایی در اطرافشان یا چیزی شبیه به آن، داشته باشند. آنها همچنین به دنبال چیزهایی بودند که با جغرافیای توصیف شده در متون مطابقت داشته باشد. ما با پیشرفت در مطالعات منطقه‌ای خاص خود، برخی از روش‌های مؤثر را خواهیم دید.

و در نهایت، تا جایی که می‌توانستند، و این اتفاق اکنون در قرن گذشته یا بیشتر رخ می‌دهد، ببینند چه نوع داده‌هایی در بررسی‌های باستان‌شناسی وجود دارد که به تأیید این موارد کمک می‌کند. اصول زیادی در رابطه با مسائل زبانی وجود دارد که در این مرحله به آنها نمی‌پردازیم. بنابراین، این سه موضوع باستان‌شناسی هستند که در سخنرانی بعدی در مورد آنها بحث خواهیم کرد.

این پایان سخنرانی اول، مقدمه‌ای بر رشته عمومی جغرافیای تاریخی با نوید باستان‌شناسی در آینده، است.

من دکتر الین فیلیپس هستم در تدریسش در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس. این جلسه ۱، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی است.